

## ناباروری از دیدگاه پزشکی قانونی

دکتر سید عباس سادات حسینی\*

### چکیده

پزشکی قانونی به عنوان یک رشته تخصصی پزشکی، امر کارشناسی پزشکی در امور قضایی را به عهده دارد. هر موضوع پزشکی می تواند بالقوه در مراجع قضایی مطرح شده و متخصصین پزشکی قانونی نیز با سؤالات و استعلامات مراجع قضایی در حوزه وسیع پزشکی مواجه و ملزم به پاسخ هستند. یکی از موضوعات مهم به خصوص در سالهای اخیر، بحث ناباروری و ارجاعات قضایی آن است. در این مقاله، موارد متداول و شایع ناباروری و اهمیت آن از منظر کارشناسی پزشکی و چگونگی تبیین آن برای مراجع قضایی مورد مطالعه قرار گرفته است. این موارد مشتمل بر بلوغ، روشهای باروری، ناباروری و جبران خسارت، ناباروری و عده طلاق، ناباروری و فسخ نکاح، ناباروری و اماره فراش و در نهایت ناباروری و سرپرستی اطفال می باشد.

نگارنده تلاش نموده است راجع به هر موضوعی، نکاتی که از نظر پزشکی قانونی واجد اهمیت می باشد را در کنار مباحث قانونی و فقهی تبیین و مقاله را با پیشنهادهای اصلاحی به پایان برد.

**واژگان کلیدی:** ناباروری، پزشکی قانونی، کارشناسی

---

\* - عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد و پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

## مقدمه

ناباروری بر اساس منابع و کتب پزشکی اینگونه تعریف شده است. زوجینی که پس از یکسال ازدواج و زندگی مشترک، بدون استفاده از روش‌های جلوگیری از حاملگی، بارور نشده باشند نابارور محسوب می‌شوند. امروزه آنچه ناباروری را در کانون توجهات قرار داده است بحث تکنیک‌ها و روش‌هایی است که جهت درمان زوجین نابارور یا به نوعی بارور کردن آنها وجود دارد. بدون شک این روش‌ها در پرتو پیشرفت علوم پزشکی بدست آمده و هر روز دامنه آن گسترده تر می‌شود. تکنیک‌های باروری بسته به نوع آن می‌تواند با حقوق زن، مرد و حتی محصول باروری یعنی کودک ارتباطی تنگاتنگ داشته باشد. از طرف دیگر ناباروری بعنوان یک ضعف و نقص بدنی خود منشأ آثار حقوقی متعددی است. مقاله پیش رو به اهمیت این مسائل می‌پردازد.

به موجب اساسنامه سازمان پزشکی قانونی کشور، سازمان مذکور نهادی وابسته به قوه قضاییه می‌باشد که وظیفه کارشناسی در امور مختلف پزشکی در پاسخ به استعلامات مراجع قضایی را بر عهده دارد. در زمینه ناباروری نیز، بدیهی است که در مرحله نخست باید اینگونه مسائل در مراجع قضایی مطرح و سپس به پزشکی قانونی جهت کارشناسی ارجاع گردد. لذا طرح مسئله ناباروری در مراجع قضایی میتواند بعنوان موضوع یک دعوا یا به عنوان سبب یک دعوا و یا به عبارتی بعنوان یکی از امور حسبی که تعیین تکلیف آن بعهده دادگاه است تلقی گردد. در این مقاله به شش مقوله قضایی مرتبط با ناباروری پرداخته می‌شود.

- ۱- بلوغ ۲- روش‌های باروری ۳- ناباروری به عنوان خسارت
- ۴- ناباروری و عده طلاق ۵- ناباروری و فسخ نکاح ۶- ناباروری و اماره
- ۷- ناباروری و سرپرستی اطفال

## ۱- بلوغ

بلوغ در لغت به معنی رسیدن است و «به مرحله بلوغ رسیده»، بالغ نامیده می‌شود. از نظر فقهی، بالغ کسی است که دوره کودکی را پشت سر گذاشته و توان جسمی و غریزی او رشد کافی یافته و آماده توالد و رسیدن به قدرت تولید مثل است. البته این تعریف تشابه زیادی با تعریف بلوغ از نظر پزشکی دارد. از نظر پزشکی، بلوغ همان بلوغ جنسی است و به مفهوم ظهور صفات ثانویه جنسی اشاره دارد. در برخی موارد و بخصوص در بعضی از سندرم‌های پزشکی ممکن است اصلاً فردی به بلوغ جنسی نرسد ولی در شرع مقدس اسلام بخصوص فقه شیعه عدم بلوغ جنسی مانعی جهت عدم رسیدن به سن تکلیف و انجام امور مذهبی نیست و رسیدن به سن معینی را به عنوان اماره بلوغ در نظر گرفته اند. در واقع شارع اسلام با رسیدن صغیر به سنی معین و بر اساس غلبه، فرض می‌کند که در آن سن قوای جسمی و طبیعی صغیر به اندازه کافی تکامل یافته است و از این رو او را بالغ شمرده و احکام بالغ را بر وی تحمیل می‌کند. البته در تعیین سن بلوغ بین فقیهان اختلاف نظر است؛ اکثر فقهای امامیه با استناد به پاره ای از روایات، سن بلوغ را در پسر ۱۵ سال و در دختر ۹ سال تمام قمری می‌دانند.

در قرآن کریم سن بلوغ تعیین نشده و از پیامبر اکرم (ص) حدیثی راجع به سن بلوغ نقل نشده است و حتی تا زمان امام باقر (ع) نیز روایتی درباره سن بلوغ دیده نمی‌شود.

قانون جزا، سن مسئولیت کیفری را بلوغ شرعی دانسته و تعریفی از بلوغ شرعی نکرده است ولی در مورد جرایمی که مجازات آن در شرع تعیین نشده، سن قانونی طبق کنواسیون بین المللی حمایت از حقوق کودک که ایران نیز به آن پیوسته حداقل هجده سال می‌باشد.

در قانون مدنی، به پیروی از قول مشهور فقهای امامیه، سن بلوغ در پسران ۱۵ سال تمام قمری و در دختران ۹ سال تمام قمری تعیین شده است. آنچه فعلاً رویه قضایی در خصوص سن بلوغ است همان سن بلوغ مقرر در قانون مدنی است و بلوغ جنسی مطرح نیست و هیچگاه عدم بلوغ جنسی بعنوان رافع مسئولیت کیفری یا عدم اهلیت استیفاء تلقی نمی شود و به همین دلیل، بلوغ زودرس نیز سبب مسئولیت یا ایجاد اهلیت استیفاء نمی باشد. شاید تنها استثنا در این مورد سن ازدواج باشد که حتماً باید با نظر دادگاه برای دختران کمتر از ۱۳ سال و برای پسران کمتر از ۱۵ سال صورت گیرد.<sup>۱</sup> و معمولاً در این مرحله قضات جهت تعیین رشد جسمی و آمادگی جسمانی ازدواج، افراد را به پزشکی قانونی معرفی می نمایند و در پزشکی قانونی با توجه به بروز علائم بلوغ جنسی، از نظر پزشکی تصمیم گیری می نمایند.

## ۲- روش های باروری

در حال حاضر تکنیک های باروری تحول زیادی پیدا کرده است. از نظر پزشکی زوجینی که طی یکسال بدون استفاده از روش جلوگیری، بارور نشده باشند زوج نابارور محسوب می گردند و اگر سن زوجه بالای ۳۵ سال باشد حتی این مدت شش ماه در نظر گرفته شده است.<sup>۲</sup>

جهت درمان زوجین نابارور بسته به نوع مشکل جسمی هر یک از زوجین، از روش هایی مانند **Surrogacy**<sup>۳</sup>, **IUI**<sup>۱</sup>, **IVF**<sup>۲</sup> (رحم جایگزین) و سایر روش ها

۱- ماده ۱۰۱۴ اصلاحی قانون مدنی

۲- بیماری های زنان و زایمان، نوواک

۳- **Surrogacy** رحم اجاره ای یا جایگزین- در زنان بدون رحم و دارای تخمدان می توانند از رحم زن دیگری استفاده کنند.

استفاده می‌شود. به این روش‌ها مجموعاً **Assisted Reproductive Technologies (ART)** گفته شود.

در صورتی که هدف از استفاده این روشها، درمان ناباروری و کمک به زوجین با استفاده از اسپرم و تخمک آنان باشد هیچ اشکالی در جایز بودن آن و ترکیب این دو سلول جنسی به روش آزمایشگاهی از نظر شرعی و حتی حقوقی وجود ندارد.<sup>۳</sup> چرا که هیچ یک از عناوینی که در شرع حرام هستند بر این فرایند آزمایشگاهی صدق نمی‌کند. شرع به دو موضوع حرام (که فرزند حاصل از آن موارد را حرام می‌داند) اشاره کرده است:

۱- زنا

۲- ریختن منی در رحم زن نامحرم

همانطور که اشاره رفت ترکیب آزمایشگاهی اسپرم و تخمک زوجین در خارج محیط طبیعی و بصورت آزمایشگاهی مشمول این دو حکم نمی‌گردد. بند ۲ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی، به اعمال طبی و جراحی مجاز اشاره دارد. در این ماده هر نوع اقدام پزشکی (طبی یا جراحی) که مشروع باشد و با رضایت فرد (ولی یا سرپرست یا نماینده قانونی وی) و در چارچوب موازین علمی و فنی و نظامات دولتی انجام شود جرم محسوب نمی‌شود. لذا در این مورد اگر پزشک و زوجین با استناد به فتوای مجتهدین و جواز شرعی اقدام کنند، در صورت سکوت قانون، اقدام آنها جرم نمی‌باشد. در این مورد فتاوی زیادی در جایز بودن اکثر تکنیک‌ها صادر شده است.

1- Intra Uterine Insemination

2- Invitro Fertilization

۳- یزدی، محمد، باروری های مصنوعی و حکم فقهی آن، مجله پزشکی قانونی، مهر و آبان، ۱۳۷۸

اگر ترکیب حاصل از اسپرم و تخمک زوجین در محیط آزمایشگاه، بدلیل نبودن رحم یا دلایل مشابه، از زوجه به رحم زن دیگری منتقل شود، این حالت نیز خارج از دو حالت حرام ذکر شده می باشد و به نظر خیلی از فقهای اسلام و بخصوص فقه شیعه مجاز است<sup>۱</sup> البته فرزند حاصل از این عمل، متعلق به صاحب نطفه که همان زن و شوهر نابارور هستند می باشد و نه از آن زنی که رحم خود را اجاره داده است (البته برخی فقها از جمله آیت ا... مکارم شیرازی بحث محرمیت از نوع رضاعی را نسبت به زن مذکور مورد فتوا قرار داده اند.) اگر این زن دارای شوهر باشد یا نباشد نیز در حکم قضیه فرقی نمی کند و فرزند حاصل، هیچگونه تعلقی به وی یا شوهرش ندارد. لازم به ذکر است انتقال جنین به رحم زن شوهردار می تواند از مصادیق خلاف اخلاق حسنه باشد همانگونه که وجاهت قانونی نیز ندارد.

از تکنیک هایی که اشاره شد با هدف استفاده از تخمک و اسپرم زوجین و به نوعی درمان ناباروری آنها می باشد، ولی اگر یکی از این سلولهای جنسی (اسپرم و تخمک) یا هر دو آن متعلق به زوجین نباشد، دیگر عنوان درمان ناباروری به آن تعلق نمی گیرد و می توان آنرا بارور کردن نامید.

از موارد بارور کردن می توان اهداء تخمک، اهداء اسپرم و اهداء جنین را برشمرد. در این موارد، برخی فقها بدلیل عدم شمول فعل حرام دوگانه ای که قبلاً ذکر شد فتوا به جواز آن داده و حتی قانونی در این زمینه به تصویب رسیده که اهداء جنین را مجاز شمرده است، ولی با این وجود، مسائل حل نشده در این زمینه بسیار است، که نیازمند توضیح و حل آن توسط فقها و قانونگذار می باشد. بارزترین آنها سه مسئله: نسب، ارث و محرمیت است که متأسفانه در قانون اهداء

۱- باروری های مصنوعی و حکم فقهی آن، همان

جنین مورد حکم قرار نگرفته و بسیاری از پزشکان به همین دلیل حاضر به همکاری نیستند. آنچه از نظر پزشکی مسلم است اینکه پدر یا مادر طبیعی، کسانی هستند که اسپرم یا تخمک را اهداء کرده یا جنین، متعلق به آنهاست و در قرآن کریم هم به آن تأکید شده است<sup>۱</sup> لذا تبیین دقیق موضوع، توسط پزشکان و متخصصین امر برای فقها جهت دستیابی به فتاوی مورد نیاز حائز اهمیت است. صدور فتوا و یا وضع قانون باید این مسائل را در برگیرد و آلا می‌تواند آثار و تبعات منفی به دنبال داشته باشد و در قبال اهداف مثبت آن، مانع استفاده از اینگونه روش‌ها گردد.

### ۳- ناباروری و عده طلاق<sup>۲</sup>

زنانی که عده طلاق ندارند زنانی هستند که بین آنها و شوهر، نزدیکی واقع نشده و همچنین زن یاثسه که نه عده طلاق دارد و نه عده فسخ نکاح<sup>۳</sup>. منظور از زن یاثسه زنی است که به سن یاثسگی رسیده و دیگر امیدی به بارور شدن ندارد. این سن به اعتقاد بعضی از فقها در هر زنی شصت سال تمام و به قول گروهی در زنان معمولی پنجاه سال و در زن قریشیه<sup>۴</sup> شصت سال می‌باشد. چون قانون مدنی سنی برای یاثسگی معین نکرده، میتوان گفت در حقوق ایران سن یاثسگی مشخص نیست و بر حسب مورد متفاوت است. در واقع، بر حسب طبیعت، همه زنان را از این لحاظ نمیتوان در یک ردیف دانست. پس در صورت

۱- قرآن کریم، آیه های ۴-۵ از سوره احزاب

۲- عده طلاق مدتی است که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی‌تواند شوهر دیگری اختیار کند.

۳- ماده ۱۱۵۵ قانون مدنی.

۴- زنانی که متعلق و منسوب به طایفه قریش هستند.

بروز اختلاف در این امر دادرسی، با جلب نظر کارشناس (پزشک) یائسگی را در هر مورد تشخیص خواهد داد.

در صورتیکه زنی در اثر بیماری یا حوادث، رحم یا تخمدانها یا هر دو را از دست داده باشد بالطبع در زمره زنانی قرار می گیرد که امیدی به باروری ندارند و به نوعی یائسه است، در این صورت میتوان وی را در زمره زنان بدون عده طلاق محسوب نمود.

نکته دیگر در مورد عده طلاق به موجب ماده ۱۱۵۱ ق.م است که عده طلاق زن غیر آبستن برابر با سه طهر می باشد.<sup>۱</sup>

احتساب سه طهر بدین ترتیب است که طهری که طلاق در آن واقع شده هر چند یک لحظه از آن باقی باشد یک طهر به شمار می رود و هرگاه زن پس از آن دوباره عادت شود و دو طهر کامل ببیند به محض اینکه وارد عادت سوم شود عده پایان می یابد. بر این اساس بنا بر گفته فقها، حداقل مدت زمان قاعدگی سه روز و حداقل فاصله بین دو عادت زنانگی ده روز است، که البته از نظر پزشکی نیز ممکن است حداقل مدت عده ۲۶ روز و دو لحظه باشد. این در صورتی است که لحظه آخر که جزو ایام قاعدگی بعد از پایان سه طهر است جزء عده نباشد و دلیل بیرون آمدن از عده تلقی شود. اگر زنی پس از ۲۶ روز ازدواج مجدد نمود میتواند از نظر پزشکی ادعای وی مبنی بر خروج از عده را تأیید نمود و بالطبع این مدت، سیکل ماهیانه باید کماکان ادامه داشته باشد.

البته این حداقل مدت زمان عده است و زنان معمولاً ماهی یکبار عادت می-شوند. مدت عده طلاق اغلب سه ماه است.

۱- طهر در لغت پاک شدن را گویند و در اصطلاح حقوقی عبارت است از پاک شدن زن از عادت زنانگی و نیز مدتی که بین دو عادت زنانگی قرار می گیرد.



#### ۴- ناباروری و فسخ نکاح

فسخ نکاح دارای قواعد ویژه ای است که با احکام و اختیارات در قراردادهای یکسان نیست. پاره ای عیوب موجود در زن و مرد، تدلیس و تخلف از شرط صفت را از موجبات فسخ نکاح به شمار آورده‌اند. مبنای ازدواج در این موارد جلوگیری از زیان همسری است که حق فسخ برای او شناخته شده است. مثلاً همسری که فریب خورده و با دیوانه ای ازدواج کرده می‌تواند ازدواج را بهم بزند، زیرا لزوم و غیر قابل فسخ بودن این ازدواج موجب زیان او خواهد بود.

ناباروری زن، از شرایط فسخ نکاح نمی‌باشد ولی از شرایطی که زن می‌تواند نکاح را فسخ کند خصاء در مرد یا همان ناباروری مرد با از دست دادن بیضه‌ها است. خصاء یعنی اخته بودن مرد که بالطبع سبب عقیمی مرد می‌شود. عنن و مقطوع بودن آلت تناسلی که خود می‌تواند منجر به ناباروری مرد گردد از جمله عیوبی است که زن می‌تواند بر آن اساس درخواست فسخ نکاح کند.

#### ۵- ناباروری و اماره فراش<sup>۱</sup>

اثبات نسب پدری دشوارتر از اثبات نسب مادری است، زیرا ولادت بچه از مادر امری خارجی و مشهود است لیکن تکون طفل از نطفه مردی معین (شوهر زن) امری مخفی است و آگاهی اشخاص حتی پدر و مادر نسبت به آن مقدور نیست. بنابراین برای اثبات نسب پدر، نباید در جستجوی قطع و یقین بود و هیچ دلیلی نمی‌تواند به طور قاطع ثابت کند که بچه‌ای از نطفه فلان مرد است حتی علم

۱- فراش (به کسر فاء) در لغت به معنی بستر و هر چه بگسترانند و در اصطلاح کنایه از شوهر است و اماره فراش یا ابوت در اصطلاح حقوقی عبارت است از این که طفلی از زن و شوهر وی به دنیا آمده است فرزند شوهر فرض می‌شود و ملحق به اوست و در حقوق مدنی این قاعده مبتنی بر دو ماده ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ قانون مدنی است و ماده ۱۳۲۲ آنرا جزء امارات قانونی به شمار آورده است.

جدید با پیشرفت حیرت انگیز خود نتوانسته در این باره قاطع باشد. آزمایشات پزشکی جنبه رد کننده دارند و در صورت عدم تعلق طفل به پدر فرضی، به صورت صد در صد میتواند این عدم تعلق را تأیید کند، ولی در صورت تعلق واقعی، بطور صد در صد نمیتواند رابطه پدر فرزندی را ثابت کند، هر چند آزمایش سنجش دی.ان.ای<sup>۱</sup> بدلیل دقت بالا در صورت عدم رد شدن، معادل تأیید تقریباً صد در صد رابطه پدر فرزندی قلمداد میشود. با توجه به نکات فوق قانونگذاران کشورهای مختلف به ویژه کشور ما بنا بر مصلحت جامعه و خیر و صلاح طفل و خانواده، اماره ای بنام اماره فراش یا اماره ابوت را مینا قرار داده و بدین سان اثبات رابطه نسب پدری را تسهیل کرده است. استناد به این اماره، ساده ترین و آسانترین راه اثبات پدری است.

امروزه آنچه از نظر پزشکی قانونی به عنوان اماره فراش کاربرد دارد، در مواردی است که فردی مدعی است که در اثر حادثه رانندگی یا ناشی از کار و.. نابارور شده و این در حالی است که دارای اولاد می باشد. با بررسی پزشکی هیچگونه ارتباطی بین ضایعات و صدمات وارده و ناباروری وی احراز نمی گردد. پزشکان و کسانی که کارشناسی را برعهده دارند بر اساس اماره فراش مجاز نیستند ناباروری وی را به زمان تکون اولاد نسبت دهند و یا در صدد بررسی آزمایشگاهی رابطه پدر و فرزند برآیند. انجام این آزمایشات یا درخواست آن خود می تواند جرم تلقی گردد لذا کارشناسان موظفند صرفاً به عدم احراز رابطه علت و معلولی بین ناباروری و آسیب های وارده اکتفا نموده و وارد مباحث غیر مرتبط نشوند.

## ۶- ناباروری و سرپرستی اطفال

در نظام حقوقی بسیاری از کشورها نوعی قرابت وجود دارد که ناشی از فرزند خواندگی است و فرزند خواندگی یا تبئن آن است که کسی دیگری را که فرزند طبیعی او نیست به فرزند پذیرد.

فرزندخواندگی در صورتی که به رسمیت شناخته شود نوعی قرابت که صرفاً حقوقی است نه طبیعی به شمار می رود. به عبارت دیگر با قبول فرزندخواندگی، قانون یک رابطه مصنوعی پدر- فرزند یا مادر- فرزند بین دو نفر ایجاد می کند. فرزند خواندگی در حقوق اسلام به رسمیت شناخته نشده و یک نهاد حقوقی تلقی نمی شود.<sup>۱</sup>

بنابراین فرزندخواندگی در نظام حقوقی اسلام منشأ حق و حقوقی نیست و این مورد به جنین اهدایی یا تخمک و اسپرم اهدایی قابل تعمیم است. فرزند خوانده از پدر و مادر خوانده ارث نمی برد و بالعکس. در قانون مدنی ایران به تبعیت از حقوق اسلامی، فرزندخواندگی به رسمیت شناخته نشده است لیکن به موجب قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب اسفند ۱۳۵۳ نهاد خاصی به نام سرپرستی مورد قبول واقع شده که تا حدی مشابه فرزندخواندگی است. شرایطی که در قانون برای سرپرستی مقرر شده، برخی مربوط به سرپرستان و برخی راجع به طفل تحت سرپرستی است یکی از شرایط مربوط به سرپرستان، صاحب فرزند نشدن تا پنج سال از تاریخ ازدواج است.

باید پنج سال تمام از تایخ ازدواج آنها گذشته باشد و زن و شوهر از این ازدواج صاحب فرزند نشده باشند. (بند ۱ ماده ۳) اگر زوجینی بدلائیل پزشکی نتوانند از یکدیگر صاحب فرزند شوند، دادگاه می تواند آنان را از این شرط معاف

۱- قرآن کریم آیه های ۵-۴ سوره احزاب

کند. ( تبصره ۲ ماده ۳) در واقع قانونگذار می‌خواهد سرپرستی را به خانواده‌ای اختصاص دهد که دارای فرزند نیستند تا از این طریق هم منافع طفل بهتر تأمین شود و هم خانواده‌های بی فرزند از لذت و سعادت داشتن فرزند محروم نمانند. البته باردار شدن زوجه یا تولد کودک در خانواده سرپرست بعد از برقراری سرپرستی موجب فسخ سرپرستی نخواهد بود. (تبصره ۱ ماده ۳)

### نتیجه

آثار ناباروری بعنوان یک ضعف و ناتوانی، فقط معطوف به فرد بیمار نمی باشد و میتواند با حقوق هر یک از زوجین مرتبط گردد. بعنوان مثال، قانون اهدای جنین میتواند هم پزشک، هم اهداء کننده و هم گیرنده آنرا درگیر مسائل حقوقی نماید و همچنین خود جنین که در آینده تبدیل به انسان خواهد شد دارای حقوق مربوط به خود است. لذا هرگونه تنظیم و تصویب قانون بدون در نظر گرفتن کلیه جوانب امر، میتواند عوارض و آثار نامطلوبی به دنبال داشته باشد. قانونگذار، باید نسبت به وضع قوانینی جامع و مانع و رعایت نکات فنی، تخصصی و حقوقی در آن همت گمارد.

پزشکان چه بعنوان معالج و چه بعنوان پزشک یا کارشناس پزشکی قانونی لازم است ضمن اطلاع از کلیه حقوق مترتب بر ناباروری، اقدام به معالجه و یا اظهار کارشناسی نمایند و ناخواسته و ندانسته مرتکب جرم یا تضییع حقوق بیماران و آحاد جامعه نشوند.

قضات و مراجع قضایی نیز لازم است در حیطه کاری خود از تخصص کافی برخوردار باشند و موارد سکوت قانون یا عدم شفافیت و عدم جامعیت قانون را به مقامات مسئول یادآور شوند و نسبت به ارائه راهکارهای مناسب اقدام نمایند.

در مجموع، ناباروری بخصوص در زمینه تکنیک های باروری با خلاء قانونی شدیدی مواجه است و بی توجهی به این امر می تواند عواقب جبران ناپذیری به دنبال داشته باشد. قانونگذار باید بطور جدی وارد عرصه شود و برای کسانی که متقاضی بهره مندی از روش های باروری هستند قوانین جامع و مانعی وضع و پزشکان و زوجین نابارور را از بلا تکلیفی برهاند.

## Infertility from the view Point of Forensic Medicine

**S.A.Sadat Hoseini**

### Abstract

As a Speciality in medicine, forensic medicine deals with medical aspects of judicial Issues.

Since all cases in medical practice could potentially be referred to judicial authorities, specialists of forensic medicine deal with a wide range of medical issues. During the past decade, infertility has been one of the important issues in this context. In this article the author has studied the most common cases of infertility and their medical importance and the judicial process.

These cases include puberty, methods of fertilization, infertility and compensation, infertility and divorce, and infertility and guardianship.

In every case, the author has tried to discuss legal and jurisprudential issues, along with the forensic point of view.

**Key words:** Infertility, Forensic Medicine, Expertise

## منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- قانون مجازات اسلامی
- ۳- قانون مدنی
- ۴- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق چاپ چهاردهم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۳
- ۵- رضایا معلم، محمد رضا، باروری های پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق، چاپ اول انتشارات بوستان قم، ۱۳۸۴
- ۶- صفایی، سید حسن، قاسم زاده، سید مرتضی، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، انتشارات سمت، ۱۳۸۵
- ۷- صفایی، سیدحسین، مختصر حقوق خانواده، چاپ نهم، انتشارات نشر میزان، ۱۳۸۴
- ۸- گودرزی، فرامرز، پزشکی قانونی، چاپ اول، انتشارات انیشتین
- ۹- نوواک، بیماری های زنان و زایمان
- ۱۰- یزدی (آیت الله)، محمد، باروری های مصنوعی و حکم فقهی آن، مجله پزشکی قانونی، مهر و آبان ۱۳۷۸